

مَحْسَدِ قُرَّانِ

مُتَخَبُّ تَفْسِيرِ تَجْدِيدِ نَظَرِ شَدِّ بَابِ آقَايِ مَعْدِي الطَّهْرِي قُشْتِ

سُورَةُ تَوْبَةٍ

که از فرط محبت و نفع پروری و پشیمانی و جل و خلعت شمار داشت میساید و بر آسایش و نجات بسیار عرصه بر انسان نوبت و مهربانی است (پس ابرو هرگاه فروم و مقام ترا نشنا) و از نو گردید که بخود خدا را عبادت کند و خدا بیست من و ابرو که کرده کم (خدا جان) و در بخت شش (بزرگوار است) ۱۲۹

سُورَةُ يُونُسَ وَكَمْ مِثْلُهَا نَازِلٌ مُثْلُهَا بِرِصْدَةِ آيَةٍ مِثْلُهَا

بِإِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا ابرو (از اسرار و وحی الهی است) بیست آیات کتاب حکم الهی که بحق در آستی گویا است ۱ آیات مروم
نعتب کرد و از اینکه ما یکی از افراد آنها را بوحی و رسالت خود برگزیده (گوئیم که برو) و خلق از عذاب قیامت برسان
مؤمنان از رحمت خدا بشارت ده که بر آتی مقامشان نزد خدا رفیع است (چون رسول خدا محمد بوحی خدا سخن گفت)
کاfran در مقام انکار برآمده گفتند این شخص ساحر و انا نیست (در قرآن سخنانی سخن گفته است) ۲ خالق پروردگار است
خداست که طبق صلاح و نظام خلقت جهان را از آسمانها و زمین و آتش و در یعنی مقدار زمان شش و زیاده مرتبه وجودی خلق
فرموده آنگاه ذات مقدسش بر عرش توحید کامل فرموده امر فرمود که اینک ترتیب و اینک شفع و واسطه هر نبیست او
نخواهد بود چنین الی بحقیقت پروردگار شماست و در اینجا گویا رسید چنانکه در اوصاف الهی نموده ۳ اگر شایسته
همه بسوی او خواهد بود این بحقیقت عده خداست که او در اول خلق را بیا فرید و آنگاه بسوی خود برگرداند تا آنکه ایمان آورد
و عمل صالح کرده بعد از آن ثواب جزا بخیر دهد و آنرا که کافر شده و کفر بر زبان بر آید از جیم و درخ خدا بی درنگ
مندی گرداند ۴ او است (خدا) آفتاب را روشن و ماه را تابان فرمود و سیر ماه را در زمانی بس که در آنجا

سُورَةُ يُونُسَ

شماره سنات و حساب ایام را برای هر معاد و نظم معاش خود بدانند اینها را خدا انجمنی و مصلحت نظام خلق بنا فرموده (و باینجه نشاید داشت) خدا آیات خود را برای اهل علم و معرفت و فصل بیان خواهد کرد (۱) بحقیقت در وقت و ادیب درنگ در هر چهره که خدا در آسمانها و زمین خلق فرموده برای اهل تقوی علامت و نشانه‌ای قدرت خدا پدیدار است (۲) البتة اینها (به تخرت منتقد نشدند) بقاء و اول بسته امید دارند و بزندگی حیوانی پست نیاید و خوش و دل بسته اند و آنها که از آیات و نشانیهای ما غافلند (۳) بهم ایان هستند که عاقبت بگردار زشت خود در آتش و دوزخ ماوی گیرند (۴) اما که ایمان بخدا آورده و بیکار شدند خدا بسبب همان ایمان آنها را بر او سعادت و طریق بهشت مبرکی کند تا بهشت های ابدی بهشتی که نمره از زیر درختانش جاریست منتعم گردند (۵) و در آن بهشت زبان شوق تسبیح و تقدیس خدا کشاید که بارگش تو از نقص آلائش پاک و شری و ثنای آنها در بهشت جسم و جانها را از هر رنج و غم و حسرت سلامت ابدی می بخشد و آخرین سخن شان حمد پروردگار عالمیان است (۶) و اگر خدا بقوت عمل نیت مردم و دعای شری که در حق خود میکنند بمانند خیرات فعل میفرمود مردم همه محکوم مرگ و هلاک میشدند ولیکن آنها را که (منکر معاندند) بقاء و امید دارند و بخت جهان حال کفر و طغیان (برای آزمایش) هفت مییم (۷) و هرگاه آدمی رنج و زبانی در افتد همان لحظه بهر حالت باشد از شسته و خسته و استاده فوراً ما را دعا بخواند آنگاه که رنج و زبانش بر طرف شود باز بحال غفلت و غرور چنان باز میگردد که گویی هیچ ما را برای دفع ضرورت رنج خود خوانده همین است که اعمال نیت بیکاران او نظرشان زیاده نموده است (۸) و اما تو اهل علم و ادب و ایمان را بخیر (۹) سخت مبتلاک میرساند باینکه میرانی آیات معجزات بر آنها آمد هیچ ایمان نیاوردند ما هم بگویم مردم زشت عمل را بخیر میسانیم (۱۰)

سُورَةُ يُنُوسُ

عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحَبَابِ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَيِّ يُفَصِّلُ
 الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ارْزُقْنِي فِي الْخِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا
 خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَأْتِ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ إِنَّ الَّذِينَ لَا
 يَرْجُونَ لِقَاءَ نَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْزَبُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ
 آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَاؤُهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
 إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ دَعْوُهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ
 وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَلَوْ يُعْجِلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ
 فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَ نَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ وَإِذْ أَمَرَسَ
 الْإِنْسَانُ الضَّرْدَ عَاثًا بِحَنْبِهِ أَوْ فَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ
 صُحْرُومَهُ كَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ صُرْمَتِهِ كَذَلِكَ نُبَيِّنُ لِلنَّاسِ مَا
 كَانُوا يَعْمَلُونَ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَهُمْ
 رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْجَارِينَ

سُورَةُ يُوسُفَ

پس بعد از (ملک) آنها شمارا در زمین جانشین کردیم تا بگوئیم که تا چهل خرابیست کرد (۱۳) و هرگاه آیات روشن
بر خلق تلاوت شود مگر آن مساو که ایستد و در بقا و نایستند بر سول احترامش کرده بگفتند که (اگر تو سولی) قرآنی خیر از این
بیاد و یا همین بقرآن دیگر متبدل ساز: ابر سول پاسخ گفت بگو مرا زنده که پیش خود قرآن را تبدیل کنم من اگر حصیان بودم
کنم از عذاب روز بزرگ سخت تیرم (۱۴) (بگو ابر سول) اگر خدا نخواهی مرکز بشا عادت این قرآن نمیکردم شمارا با حکام
آن گاه نیتیم معری ز این پیشان میانیتم (که دعوی رسالت میثم) آیا اکنون که رسالت آدم منیر آن که منیر و دلیل نیست
معل و مکرر گاهی بنمید پس (با دلیل کتیب حق کنید) که تمکات را از آنکه بجهت نسبت دفع دهد آیات خدا را که کتیب کتیب
و البته تمکات را از هرگز فلاح و رستگاری نخواهد بود (۱۵) (بجز در آن دان) به تاثیر انبیه خدا پیش میکنند که با آنها هیچ ضرر نفی نمی رسد و میگویند
که این تا شیع ما نزد خدا هستند (ابر سول) بایمان بگو شما دعوی شفاعت بهای میخواستید بخدا چه کردید به آسمانها و زمین علم آن را
یاد مید خدا از آنچه شرکت اقرار مید نموده و برتر است (۱۶) مردم (و فطرت توحید) کیطایع نبش نبود پس از آن
فرقه فرقه شدند (و با انواع شرک و دینیهای باطل گردیدند) و اگر کله ای که در ازل (از حق) است بقیه که برای آزارش
مصلحت یابند) نبود البته اختلافاتشان خاتمه یافته و حکم هلاکت کافران داده میشد (۱۷) (و مکران) گویند چرا بر
آیت و معجزی از جانب خدا نیامد (که قهر مردم مطیع شوند) پاسخ ده که دانای غیب خداست شما کافران
مظفر عذاب خدا نیستند شما مظفر نصرت او میباشم (۱۸) ما هرگاه بر آدمی بعد از آنکه او را بچ دنیای رسید حتی ز ستم بگذرد
آنکه بجهل و بیخبری افتادند بواسطه غیبا و علین الهی نجات دادیم در اینصورت باید برای محو آیات و رسولان حق مکرر
بکار بند؟ (ابر سول) بگو مکرر سیاست الهی کافر و سر مغیر است که رسولان ما در ششگان قوای عالم

سُورَةُ نُوحٍ

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ
 وَإِذْ أُنْزِلَ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا انْتِ
 بُرَّانٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَبَدِلَهُ مِنْ لِقَاءِ بَنِي
 أَنْ أَسْأَلَ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ
 عَظِيمٍ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا نَلَّوْهُ عَلَيْهِ كُمْ وَلَا أَذْرَكُمْ بِهِ فَقَدْ
 لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ
 عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ وَبَعْدُ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا
 عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَنْبِئُونَا اللَّهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ
 سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً
 فَاخْلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِّي بَيْنَهُمْ فَيُحْجَلُونَ
 وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْظُرُوا
 إِلَيَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْظَرِينَ وَإِذَا أَدْمَأْنَأْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ
 مَسَّاهُمْ إِذَا لَهُمْ مُكْرِمٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكُونُونَ

سُورَةُ يُوسُفَ

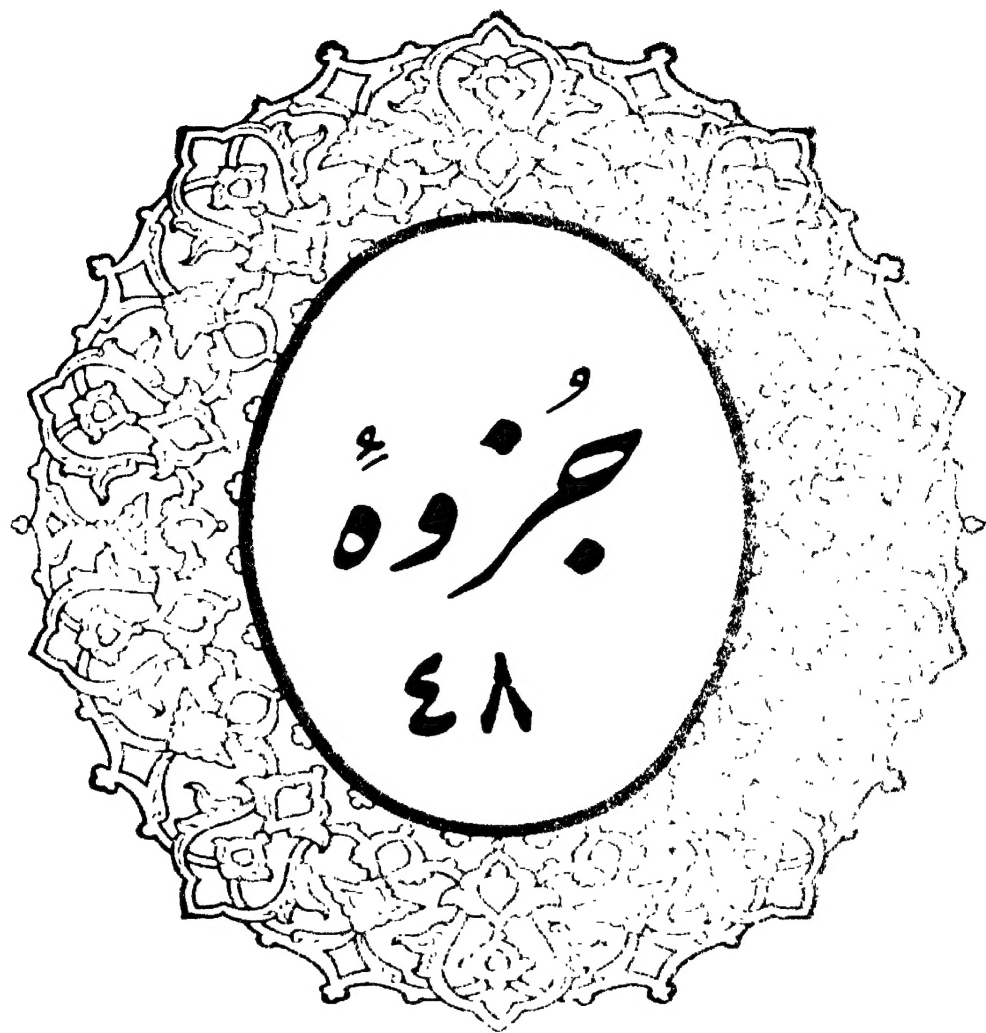
مگر بای شمار (بر زبان شما) خواهند نوشت (خدا را یاد کنید که) اوست آنکه شمارا در بحر سپرد تا نجات
 که گشتی تشنید و باد طایلی کشتی را بجزکت آورد و شما شد و مان و خوشوقت باشید که نگاه با وندی بوزد کشتی از بحر جاب
 با موج خطر دافعه و خود را در طرطه هلاکت بنید از زمان خدا را با خلاص و دین فطرت بخوانید که باز
 اگر مارا از این خطر نجات بخشی دیگر همیشه (از کفر و حصیان دست کشیده) سگرو سپاس تو بخویم
 پس از آنکه ما نجاتشان دادیم باز در زمین بناحق سگری آغاز کند ای مردم (بدانید) شما
 ظلم و ستم کنید منحصراً بنفس خویش کنید در پی متاع فانی دنیا آنگاه در آخرت که بسوی ما باز میگردد
 شمار آنچه (از نیکت بد) کرده اید آگاه میسازیم (و هر کس را بجز خود میرسانم) ^(۱) متعاقباً مثل :
 زندگانی دنیا بآبی ماند که از آسمانخا فرو فرستادیم تا بآن باران انواع مختلف گیاه زمین از آنجا
 آدمیان و حیوانات تغذیه کنند بروید تا آنگاه که زمین از سبزی و سبزی بخود زیور بسته و آید
 کرده و مردمش خود را بر آن قادر و متصرف پندارند که ناگهان فرمان ما شب یارو
 در رسد و آن همه زیور زمین را در و کند و چنان خشک شود که گوئی دیروز در آن هیچ نبوده :
 (این حقیقت حال فانی دنیا هست) اینگونه خدا آیاتش را روشن برای اهل فکر بیان میفرماید ^(۲)
 و خدا همه خلق را بر منزل سعادت و سلامت میخواند و هر که را میخواند (بملطف خاص بر او تقیم
 هدایت میکند) مردم نیکو کار و نیکوترین پادشاه عمل خود زیادت لطف خدا نازل شوند و هرگز بر خوار گشتن
 کرد و محبت است تشنید و تمام اهل هشت و پنج ماه میبندند و کسانیکه مرکب اعمال بد شد بعد از آن اهل عمارت شدند

سُورَةُ يُوسُفُ

لَا تَكْفُرُونَ هُوَ الَّذِي يُبْرِكُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي
الْفُلِكِ وَجَرَبَ بِهَيْمٍ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَ تَهَارُجٌ عَاصِفٌ وَ
جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينَ لَوْلَا رَحْمَتُنَا مِنْ هَٰذَا لَكُنْتُمْ مِنَ الشَّاكِرِينَ فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ
إِذَا هُمْ يَبْغُوزُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْبُكُمْ
عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ أَلَبَّاسَكُمْ فَتُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
تَعْمَلُونَ إِنَّمَا مِثْلُ الْحَوَارِثِ الدُّنْيَا كَمَا أَنَّزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْلَطَ
بِهِ بَنَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ
زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرٌ نَا
ئِلًا أَوْ نَهَارًا فُجِعْنَا هَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْرِ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي
مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ
وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَمَرٌ وَلَا ذُلٌّ ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ۝ ۞ وَالَّذِينَ كَسَبُوا الشَّيْءَ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ يَمْثِلُهَا وَتَرْهُقُهُمْ

سُورَةُ يُنُسُ

ذَلَّةٌ مَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ
 مُظْلِمًا ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۚ وَبَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمْعًا
 ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ فَزَيَّلْنَا
 بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِنَّا بِأَنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۚ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ
 شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ ۚ هُنَالِكَ
 تَبْلَوْنَ أَكْلَ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ ۚ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَيُّ وَصَلَّ
 عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۚ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
 أَمْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ ۚ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ
 الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يَدِيرُ الْأَمْرَ ۚ فَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَسْقُونَ ۚ
 فَذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ ۚ فَإِنِّي تُصَرِّفُونَ
 كَذٰلِكَ حَقَّقْتُ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَتَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۚ
 قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَاءُكُمْ مَن يَبْدُوَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلْ اللَّهُ يَبْدُوَ
 الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَإِنِّي تَوَفَّوْا ۚ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَاءُكُمْ مَن يَهْدِي
 إِلَى الْحَقِّ قُلْ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ ۚ أَفَمِنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُسَبِّحَ



اخگر

نشریه و چاپخانه

نشانی مکتوبی : تهران - اخگر

نشانی پستی : میدان ژاله خیابان بهزادی تلفن ۳۷۵۸۸